

# در توفان گل سرخ

اینگه بورگ باخمن

ترجمه فؤاد نظیری



## فهرست

۹	دیباچه‌ی مترجمِ فارسی
۱۱	یادداشت مترجم
۱۳	پیشگفتار: شاعر بر مرز
۳۷	از مجموعه‌ی <b>زمانِ مهلتِ مانده</b>
۳۹	ترکِ بندرگاه
۴۳	عزیمت از انگلستان
۴۶	سقوط کن، ای دل
۴۸	کلماتِ تاریک
۵۱	پاریس
۵۳	بارِ سنگین
۵۵	شگرد بازیِ پاییز
۵۸	زمانِ مهلتِ مانده
۶۰	چوب و تراشه‌ها
۶۳	صلاتِ ظهر
۶۶	هر روز
۶۸	پیام
۷۰	پل‌ها
۷۳	پرواز شبانه
۷۷	مزمور

۱۸۳	آریا ۱
۱۸۵	هیّ وَاژه‌ها
۱۸۸	به راستی
۱۹۰	بوهم دراز کشیده در کناره‌ی دریا
۱۹۴	پراگ ژانویه‌ی ۶۴
۱۹۷	خُسْرانی
۱۹۹	معما
۲۰۱	چیزی نه دلپذیر
۲۰۵	<b>پیوست</b>
۲۰۷	یادداشتِ خودِ سرگذشت‌نامه
۲۱۰	آن چه در رُم شنیدم و دیدم
۲۱۷	[در بابِ خاستگاهِ عنوانِ «در آپولیا»]
۲۲۰	[اشعار به چه دردی می‌خورند؟]
۲۲۲	شعری برای خواننده
۲۲۵	رویدادنامه

۸۲	در توفانِ گُلِ سرخ
۸۳	نان و نمک
۸۶	منظره‌ی عظیمِ نزدیکِ وین
۹۳	از مجموعه‌ی فراخوانِ خرسِ بزرگ
۹۵	بازی به سر رسید
۹۹	فراخوانِ خرسِ بزرگ
۱۰۱	پرنده‌ی من
۱۰۴	سرزمینِ نو
۱۰۶	حکایتِ حال
۱۱۳	دیارِ میّه
۱۱۶	به من بگو، ای عشق
۱۲۰	آگهی
۱۲۲	کلام و افترا
۱۲۶	سرزمینِ نخست‌زاد
۱۲۹	آوازهای یک جزیره
۱۳۶	سیمای شب‌های رُم
۱۳۸	در آپولیا
۱۴۱	سایه گُل‌های سرخ سایه
۱۴۲	بمان
۱۴۴	به آفتاب
۱۴۸	آوازِ پرواز
۱۷۳	<b>گزینهِی آخرین اشعار</b>
۱۷۵	[بر این نژاد هیچ دل مبنده]
۱۷۶	هتل دُ لا پاس
۱۷۷	تبعید
۱۷۹	پس از این توفان
۱۸۰	جویبار
۱۸۱	اندیشه‌ام، برو

## دیباچه‌ی مترجم فارسی

به هرکجا که بچرخیم در توفانِ گلِ سرخ...

چهار پنج سال پیش، اینگه‌بورگ باخمن را با برگزیده‌ی کوچکی از اشعارش به نام «ترانه‌هایی در گریزه»، به ترجمه خانم ماندانا مقدم شناختم. شعرها نشان از شاعری ژرف‌اندیش و شگرف داشت و به ذهن‌ام خوش و سنگین نشست. گذشت، و من مرجع دیگری نداشتم و به کار خود بودم. دو سه سال بعد تلفن زدم به بیژن‌الاهی، شاعر و مترجم گرانقدر و مدرنیستِ اصیلِ روزگارِ ما، که فقط یک‌بار او را دیده‌ام، اما از قدیم بسیار دوست‌اش می‌داشتم. صدای گرم و مطمئن‌اش روی پیام‌گیر داشت می‌گفت «بوقی که شنیدید، پیامی بگذارید!» که گوشی را برداشت. شنیده بودم کسالتی داشته، حال‌اش را پرسیدم و از این در و آن در گفتم و شنیدیم که پیشنهاد داد شعرهای باخمن را ترجمه کنم و یکی دو مرجع را نشانی داد. به فکر افتادم و مثل همیشه دست به دامن عزیزِ دور و گرمی‌ام دکتر انوشیروان عادل شدم که برایم مجموعه‌ی ازین شاعر بیابد و بفرستد. زحمت کشید و گشت، و آن روزها کتابی در دسترس نیافت؛ تا این که رفت به کتابخانه‌ی دانشگاه ایالتی وست ویرجینیا و نسخه‌ی کامل از کتابی پاکیزه، مهمور به مهر کتابخانه را کپی گرفت و برایم فرستاد. مهر و کرامتِ او را این‌جا

سپاس می گزارم. مشخصات کتاب این است:

**In the storm of Roses; selected poems by Ingeborg Bachmann;**  
TRANSLATED, EDITED, AND INTRODUCED BY MARK  
ANDERSON. PRINCETON UNIVERSITY PRESS - 1986.

کتاب دو زبانه است و متن آلمانی اشعار مقابل ترجمه‌ی انگلیسی آن‌هاست.

کار را شروع کردم و کتاب را نم‌کم خواندم و به قول زنده‌یاد یگانه مهدی اخوان ثالث، کم‌کم مستان شدم! شعرها برآمده از اعماق جان ایزد - بانوی شاعری بود که به تعبیر نیمای بزرگ «زاده‌ی اضطراب جهان» بود، و از دردها و دلواپسی‌ها و تنهایی‌ها و دل‌بسته‌گی‌های انسان امروز می‌سرود. از عشق و امید و یأس و ایمان. با ذهنی عمیقاً فلسفی، پیچیده، و شیفته و زخمین. شاعری فیلسوف یا فیلسوفی شاعر که در فلسفه پنجه در پنجه‌ی هایدگر می‌کرد و او را به چالش می‌طلیید. شعرها شگفت‌انگیز بود.

ترجمه‌ی شعر کار دشواری است، طُرفه آن‌که شعر فلسفی باشد یا ریشه در فلسفه داشته باشد و، شاعر ستهنده. شعر باخمن چنین بود. کار شکیبایی می‌خواست و بضاعت. سعی خود را کردم و رنج خود را بردم، به شیدایی! حاصل، دفتری که می‌بینید. اگر دست کم پیش‌بینش و قضاوت ظریف و تیز بیژن‌الاهی بزرگوار، روسیاه درنیامده باشم، کلام را می‌اندازم به هوا!

این جا بنا ندارم باخمن و شعر او را تحلیل کنم. این مهم را مترجم انگلیسی کتاب، مارک اندرسن، بسیار ژرف و وزین انجام داده است. من خود آن را می‌خوانم و می‌آموزم.

این کار به پایان رسید؛ شاید و اگر که پایان کار نباشد. نقطه‌یی است بر کاغذ و سایه‌ی دستی به یادگار، نشان ستایش انسان و جهان، و ادای دین به زبان. با قید حد همان بضاعت؛ البته و، همین.

فؤاد نظیری

### یادداشت مترجم

چاپ حاضر اشعار اینگه‌بورگ باخمن براساس چاپ آلمانی مجموعه کارهای اوست (1978, werker, Munich, R. Piper & Co. Verlag) و شامل همه‌ی شعرهایی است که می‌توانست به خوبی به انگلیسی برگردانده شود. شعرهای دوران جوانی باخمن که ظریفانه برخوردار از قافیه بودند، ناگزیر کنار گذاشته شدند. این جای تأسف است، زیرا توانمندی باخمن به عنوان شاعر، عمدتاً از تلفیق ماهرانه و بسیار دقیق زبان امروزی، با فرم کلاسیک ناشی می‌شود. اما معیار ترجمه‌ی هر شعری باید متوجه کارکرد آن شعر در زبان اصلی‌اش باشد. این اصل رهنمون انتخاب شعرهایی بوده است که در این جا عرضه شده‌اند. تعدادی کارهای منشور، مرتبط با شعر باخمن، مثل یادداشت‌های خود سرگذشت‌نامه یا وقایع‌نگاری، به عنوان پیوست اضافه شده است. آن‌ها راه دست‌یابی به شعر او را ساده‌تر کرده و در عین حال ذائقه‌ی خواننده را برای آشنایی با نثر او برانگیخته می‌کنند، که چندتایی از آنها به انگلیسی ترجمه شد.

این ترجمه‌ها حاصل دستکار کسان دیگری نیز، غیر از خود من است. من سپاسگزار هاینر و شیلا باخمن هستم که نخست با بزرگواری دست‌نوشته‌ی روایت ابتدایی مرا از نظر گذراندند و در اصلاح آن‌ها